

محسوب می‌شود. همچنان‌که دبیر فعلی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، به‌صراحت از عدم آگاهی و جدی نگرفتن چشم‌انداز توسط مدیران، سخن رانده است. اعمال مدیریت‌های سلیقه‌ای و عدم تطابق برنامه‌های دولت‌ها و رؤسای جمهور فعلی و آتی کشور به سند چشم‌انداز از مشکلات برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در کشور، در سطوح عالی مدیریت کشور است. باید خاطرنشان کرد که یکی از دلایل عدم اجرای کامل برنامه سوم در دولت آقای خاتمی نیز به دلیل فقدان هماهنگی دولت‌های پیشین با یکدیگر و سلیقه‌ای رفتار کردن آنها و عدم تن‌دادن آنها به برنامه‌های کلان کشور بوده‌است تا جایی‌که در متن ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله از سوی مقام معظم رهبری به رئیس‌جمهور وقت سیدمحمدخاتمی، به عدم توجه کافی به برنامه سوم توسعه اشاره شده و در بخشی از این ابلاغیه چنین آمده‌است: «انتظار می‌رود چارچوب این سیاست‌ها و نقاط مورد تکیه در آن، بتواند به تدوین برنامه‌های جامع و عملیاتی برای دوره پنج‌ساله بینجامد. بی‌گمان اهتمام و دقت نظر جناب عالی و هیأت محترم دولت و از آن پس مجلس محترم شورای اسلامی می‌تواند در این باره نقش تعیین‌کننده خود را ایفا کنند. تأکید بر این معنا بدین علت ضرورت می‌یابد که برخی از سیاست‌های کلی مصرح در برنامه سوم از توجه کافی در تقنین و اجرا برخوردار نگشت.» (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری)

یکی از چالش‌های اجرایی شدن سند چشم‌انداز، نحوه ضمانت و تصدی اجرا و نظارت بر اجرا و نهادینه شدن است. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در تشریح نحوه تصدی ضمانت اجرا و نظارت بر اجرای سند چشم‌انداز چنین اظهار کرده است: «رهبری از طریق مجمع بر عملکرد سه قوه نظارت می‌کند، آیین‌نامه نظارت مجمع خدمت رهبری است، اگر ایشان تصویب کنند، دیگر ما می‌توانیم از اواخر امسال نظارت را شروع کنیم و قاعدتاً یکی از کارهای ما این خواهد بود که فعل و قول دولتمردان و برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های دولت، مجلس و قوه قضاییه را در چارچوب چشم‌انداز بررسی و تذکرات لازم را ارائه کنیم. این نظارت، قانونی است، البته قانونی از جهت تنبیه و تشویق قضایی نیست. قانونی از این بُعد که رهبری از آن‌ها خواهد خواست که آن‌ها اصلاحات را انجام بدهند. درحقیقت یک جنبه بین